

ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس؛

مطالعه موردی آذربایجان شرقی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۷)

پروین بابایی^۱

سمیه زاد امیری^۲

چکیده

پوشاک سنتی استان آذربایجان شرقی را می‌توان به سه دسته لباس شهری، عشایری و روستایی تقسیم کرد. برای بازتولید سنت‌های پوشش بومی و به منظور طراحی مد لباس در این مقاله بخش‌هایی از این سه دسته مدنظر قرار گرفته است. این لباس‌ها شکل‌هایی از کویسک (شکل مانتوی امروزی)، تومان (شکلی از دامن)، چپکن (شکلی از نیم‌تنه)، آرخالیق (شکل کت بلند یا کوتاه)، کوردو (شکلی از جلیقه) و سایر لباس‌ها را شامل می‌شود و همراه با عکس نمونه استفاده در طراحی نیز پیشنهاد گردیده است. علاوه بر شکل لباس‌ها، تزئینات نقش‌های آنان نیز مدنظر قرار گرفته است. پوشاک مناطق مختلف جلوه‌ای از فرهنگ و تمدن مناطق محسوب می‌شود و علاوه بر ایجاد هویت، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های طراحی مد برای تولید لباس به سبک و الگوی بومی را دارا هستند. در این مقاله، ظرفیت‌های لباس سنتی آذربایجان شرقی به منظور طراحی لباس‌های امروزی مورد بررسی قرار گرفته است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و کتابخانه‌ای و روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: پوشاک سنتی، میراث آذربایجان، کویسک، آرخالیق، لباده، مد لباس.

۱. دانشجوی دکتری هنر اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول). رایانامه: P.babaei@tabriziau.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز. رایانامه: S.zadamiri@tabriziau.ac.ir

۵۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مقدمه

از ویژگی‌های جوامع دارای تمدن، پیشینه و قدمت و نوع لباس‌ها و دیدگاه افراد آن جامعه نسبت به پوشاک است. به عبارتی، در جوامع دارای تاریخ لباس در تمام لایه‌های آن اجتماع مفهوم دارد و فرم لباس از مفاهیم فرهنگی آن اجتماع جدا نیست. پوشاک هر قوم و ملت در اصل مشخص‌کننده شخصیت و هویت فرهنگی آن قوم و ملت و نشانه‌ای از پایداری و اعتقاد آنان به آداب و رسوم و به نوعی نشانگر علاقه‌شان به استقلال فرهنگی و در نهایت استقلال سیاسی و اقتصادی است (یاوری و سرخوش، ۱۳۸۹: ۹). بافت پارچه نیز از مظاهر شکوفایی صنعت و توسعه اقتصادی جوامع است و ذوق زیباشناختی و مبانی فکری بافندگان در طرح و نقش آن بازتاب می‌یابد. از طرفی عوامل بوم‌شناختی سکونتگاه‌ها نیز بر روی فرم و جنس و رنگ لباس‌ها تأثیر می‌گذارند؛ چنان‌که پوشاک مناطق سردسیر با مناطق گرم فرق دارد.

منطقه آذربایجان در شمال غربی ایران منطقه‌ای است کوهستانی و مرتفع و دارای زمستان‌های طولانی که سبب می‌شود نوع پوشاک آن قابلیت محافظت بدن از سرمای سخت را داشته باشد. هر چند سبک زندگی شهرنشینی تا حد زیادی از ضرورت استفاده از برخی لباس‌ها کاسته، اما هنوز هم پوشیدن تعدادی از لباس‌های بومی منطقه در بین مردم مرسوم است. همچنین آذربایجان منطقه‌ای است با تاریخ فرهنگی و هنری غنی که از مصادیق آن پیشرفت صنعت بافت پارچه است. در تبریز انواع پارچه تولید و به نقاط مختلف ایران و جهان صادر می‌شده است. برای مثال یکی از مراکز بافت پارچه در دوره صفوی، تبریز بوده که آوازه پارچه‌های آن بیشتر به دلیل بافت تصویر انسان بر روی پارچه بود (رضایی، ۱۳۷۸: ۲۶۱). علاوه بر این، شهرهای بزرگ استان نیز از مراکز تولید پارچه به شمار می‌رفته‌اند. امروزه نیز بافت پارچه‌های ابریشمی در مناطقی از آذربایجان همچون اسکو و اسکندان همچنان ادامه دارد. با نگاهی به تاریخ ایران درمی‌یابیم که آذربایجان در برخی دوره‌ها از جمله دوره ایلخانان (۶۵۴-۷۵۰ ه.ق)، قراقویونلوها (۷۸۰-۸۷۴ ه.ق)، آق‌قویونلوها (۱۳۷۸-۱۵۰۸ م) و صفویان (۹۰۷-۱۱۴۸ ه.ق) پایتخت بوده است؛ چنان‌که مراغه نیز که از شهرهای استان است، در دوره ایلخانی مدتی پایتخت بود. پایتخت‌ها عموماً از مراکز بافت پارچه به شمار می‌رفته‌اند و در

ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس؛ مطالعه موردی آذربایجان شرقی ❖ ۵۷

منابع مختلف از پارچه‌های این شهر نام برده شده است و شاید - حداقل در دوره‌هایی که این منطقه پایتخت بوده - طراحی لباس نیز در آنجا انجام شده باشد. با نگاهی به نگاره‌های برجای مانده درمی‌یابیم که برخی از قطعه‌های پوشاک آن ادوار تا قرن اخیر در لباس‌ها باقی مانده و پوشیدن آنها رواج داشته است. از سویی پاره‌ای هنرهای تکمیلی پوشاک و ضمایم نیز همچون انواع سوزن‌دوزی‌ها در بین اقوام مختلف رایج بوده است که آذربایجان شرقی نیز از این قاعده مستثنا نیست و برخی از لباس‌های محلی آذربایجان همچون منطقه ممقان به واسطه سوزن‌دوزی آن شناخته شده‌اند.

در سرزمین پهناور ایران اقوام مختلفی زندگی می‌کنند که هر یک پوشاک مخصوص به خود را دارند و این پوشاک بازتابی از هویت، طبیعت، موقعیت جغرافیایی و تاریخی و ذوق و هنر آنان به شمار می‌رود. این تنوع لباس در ایران منبعی گسترده برای طراحان لباس فراهم آورده است تا بتوانند با توجه به جنس و رنگ و تزئینات و فرم لباس‌ها، لباس‌های مطابق با سلیقه امروزی و مناسب برای عرضه، هم در داخل و هم عرصه جهانی مد، طراحی کنند. لباس منطقه آذربایجان شرقی نیز ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که می‌تواند منبعی برای الهام طراحان لباس باشد. هدف این مقاله این است که قابلیت‌های لباس‌های سنتی آذربایجان از جهات مختلف روشن شود و به عنوان مبانی نظری و تجسمی برای طراحی لباس به این سبک به کار رود. هدف کلان مقاله نیز حرکت به سمت طراحی لباس به سبک ایرانی - اسلامی است. توجه به لباس مناطق به عنوان بخش‌هایی از سبک‌های پوشاک ایرانی و ایجاد ارتباط بین سبک‌های لباس مناطق مختلف، سبب شکل‌گیری مجموعه‌ای جامع از انواع مدل‌ها و الگوها می‌شود که می‌تواند به غنای طراحی لباس ایرانی - اسلامی مد برساند و این از ضروریات مقاله حاضر به شمار می‌رود.

ضرورت توجه به ظرفیت‌های بومی هنر

تقویت هنرها و کالاهای فرهنگی - هنری محلی رویکردی راهبردی است که باید از خلال سیاستگذاری‌های فرهنگی انجام بگیرد و روشن است که برای تحقق این هدف نباید این هنرها و کالاها در سطح محلی محدود بمانند، بلکه باید به نحوی، امکان حضور آنها را در سطوح ملی و جهانی فراهم کرد (فکوهی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). یکی از کالاهای فرهنگی و هنری، لباس است. لباس و پوشاک با توجه به ویژگی‌هایی که دارد،

یکی از نمونه‌های عینی و مجسم فرهنگ هر جامعه است و به عبارت دیگر همواره بخشی از فرهنگ جامعه در لباس‌های مردم آن جامعه تجلی می‌یابد. پوشاک هر قوم و ملت در اصل مشخص‌کننده شخصیت و هویت فرهنگی آن قوم و ملت و نشانه‌ای از پابندی و اعتقاد آنان به آداب و رسوم و همچنین نشانگر علاقه ایشان به استقلال فرهنگی و در نهایت استقلال سیاسی و اقتصادی است. (یاوری و سرخوش، ۱۳۸۹: ۹)

هر دوره‌ای نیز ایده هنری خود را دارد. در بیشتر طراحی‌های زیبا، همواره اصول هنری ثابتی دارد و اگر کسی از این اصول، شامل ابعاد، تعادل، رنگ، هارمونی و... استفاده کند، قادر خواهد بود طرح‌های خوبی بیافریند. در ایده‌آل‌ها، اصول و تجربیات تاریخی مردم، ارزش والایی برای طراحان مدرن وجود دارد (من‌شوور، ۱۹۲۰: ۱). با ترکیب اصول طراحی پوشاک بومی و نیاز روز می‌توان لباس‌های خلاقانه‌ای طراحی کرد. «ویژگی اصلی نوآوری، ارزش جدیدی است که تولید و ارائه می‌کند و با توجه به ارزشی که ایجاد می‌کند می‌تواند به چهار نوع طبقه‌بندی شود: ابداع ارزش کاربردی^۱، ابداع ارزش زیبایی^۲، ابداع ارزش لذت^۳ و ابداع ارزش نماد^۴» (مولازاده، ۱۳۹۶: ۷۷-۷۸). لباس باید واجد تمامی این ارزش‌ها باشد و از دیدگاه کاربرد، زیبایی و ارزش‌های نمادین بتواند به سلیقه مخاطب پاسخ دهد و در او ایجاد رضایت کند.

معرفی پوشاک استان

هر کشوری برای خود لباس‌های سنتی خاص دارد، ولی بدون تردید هیچ کشوری همچون ایران دارای تنوع فوق‌العاده و چشمگیر در پوشاک سنتی نبوده و نیست. حسین یاوری معتقد است، مانایی لباس‌های سنتی بی‌دلیل نیست. به اعتقاد وی علت آنکه لباس‌های سنتی پس از گذشت قرن‌ها، همچنان خود را به عنوان یک پدیده فرهنگی تثبیت کرده‌اند، آن است که در این گونه لباس‌ها ویژگی‌های خاصی وجود دارد که عبارت‌اند از:

-
1. functional value innovation
 2. aesthetic value innovation
 3. hedonic value innovation
 4. symbol value innovation

ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس؛ مطالعه موردی آذربایجان شرقی ❖ ۵۹

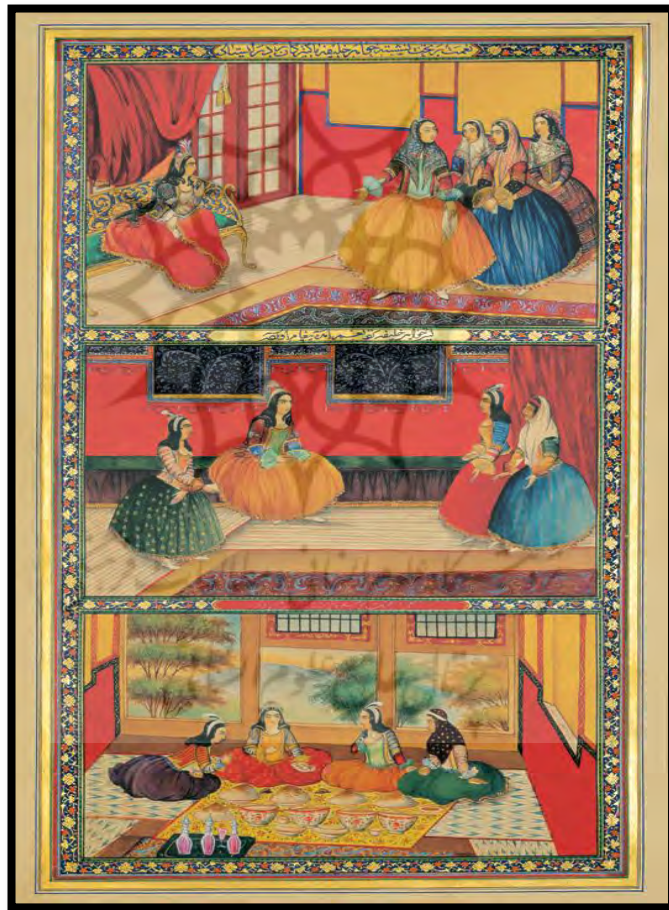
۱. داشتن تجانس و قرابت فوق‌العاده با فرهنگ جامعه و بویژه با محل مورد نظر خود.
 ۲. راحتی لباس، یعنی این‌گونه لباس‌ها در عین اینکه از قطعات متعددی تشکیل شده است، راحتی خاصی نیز دارد و برای انجام فعالیت‌های روزمره انسان مناسب است.
 ۳. کامل بودن پوشاک سنتی از هر نظر؛ چرا که پوشاک سنتی شامل کفش مناسب و راحت، البسه زیر و روی متناسب، پوشش سر و نیز در صورت لزوم زیورآلات، شال و کمر بند با رعایت خصوصیات فرهنگی جامعه است.
 ۴. داشتن زیبایی؛ لباس‌های محلی مجموعه‌ای متناسب و هماهنگ هستند که از رنگ‌بندی و زیبایی خاص برخوردارند.
 ۵. از آنجا که یکی از بارزترین ویژگی‌های لباس‌های سنتی در آن است که به‌طور عمده مواد اولیه آن، چه در مورد لباس و چه در ارتباط با کفش و کلاه و زیورآلات و غیره در داخل کشور موجود است، استفاده از این نوع لباس‌ها، سدی در برابر مدها و الگوهای بی‌پایه و اساس وارداتی محسوب می‌شود و به نوعی به قطع وابستگی اقتصادی کمک می‌کند.
 ۶. لباس‌های سنتی با توجه به ویژگی‌های منطقه مورد استفاده خود ارائه می‌شود. این لباس‌ها از این نظر نیز لباس مناسبی است، چرا که مناطق گرم دارای لباس‌های محلی با پوششی کمتر و با استفاده از موادی است که در برابر گرما به انسان تحمل بیشتری می‌دهد و لباس‌های مناطق سرد نیز دارای مشخصات مناسب برای مقاومت انسان در برابر سرماست؛ چنان که لباس مردم بلوچ و لباس مردم کرد هر کدام، دارای مشخصات کلی خاص منطقه خود هستند.
- در طراحی، دوخت و ارائه لباس‌های سنتی به طرح‌ها، نقش‌ها و رودوزی‌های سنتی که ویژه هر منطقه است نیز توجه کامل شده است (یاوری و سرخوش، ۱۳۸۹: ۱۰).
- پوشاک استان آذربایجان شرقی را می‌توان به سه دسته لباس شهری، لباس عشایر و لباس روستایی تقسیم کرد. لباس شهری معمولاً ظریف‌تر و با جزئیات بیشتری است. با توجه به تغییر سبک پوشش در سده گذشته و توسعه اجتماعی و تغییر برخی چارچوب‌های زندگی سنتی، لباس سنتی نیز ناکارآمد تلقی شد. در پی آن، به دلیل توقف بافت پارچه‌های سنتی و واردات لباس غربی، پوشیدن لباس‌های سنتی در شهر

۶۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

فرهنگ
مردم
ایران

شماره ۵۷ و ۵۸ تابستان و پاییز ۱۳۹۸

تبریز به طور کامل منسوخ گشت و مردم به پوشیدن لباس‌های جدید به شیوه غربی روی آوردند. شکل و فرم لباس سنتی شهری تبریز تا حد زیادی ادامه همان طرح و فرم لباس دوره قاجار است و از انواع پارچه‌های ظریف و مرغوب در رنگ‌های مختلف تهیه می‌شده است. نمونه‌هایی از لباس‌های سنتی شهری تبریز که در سایر شهرهای ایران نیز کمابیش رایج بوده است، در نقاشی‌های دوره قاجار همچون تصاویر کتاب هزار و یک شب اثر صنیع‌الملک دیده می‌شود (تصاویر ۱ و ۲). این سبک پوشش تقریباً با همین شیوه در تبریز نیز رواج داشته است.



تصویر ۱. هزار و یک شب (ویکی‌پدیا)



تصویر ۲. هزار و یک شب (ویکی پدیا)

لباس روستایی نیز در بسیاری از روستاها دیگر رایج نیست و ساکنان روستاها از لباس‌های معمول شهری استفاده می‌کنند؛ در واقع تعداد اندکی از روستاهای آذربایجان هستند که پوشش محلی خود را حفظ کرده‌اند. لباس عشایر در حال حاضر بارزترین نمونه لباس بومی استان به شمار می‌رود. ایل / ارسباران که در منطقه شمال شرقی آذربایجان شرقی و در محدوده‌ای به نسبت وسیعی به نام ارسباران زندگی می‌کنند، با ایل شاهسون ریشه‌های مشترک دارند و لباس آنان نیز تا حد زیادی مشابه است. این منطقه با نام قره‌داغ نیز شناخته شده است. عشایر این منطقه با وجود سیاست‌های پهلوی اول درباره متحدالشکل ساختن لباس‌ها، همچنان پوشش سنتی خود را حفظ کرده‌اند.

با توجه به اینکه در مقاله حاضر بازتولید سنت‌های پوشش بومی مدنظر است، از همین رو، در معرفی لباس‌ها از تقسیم‌بندی آنها به شهری و روستایی و ایلی صرف نظر می‌شود و تنها به معرفی شماری از نمونه‌های پوشاک این منطقه اعم از شهری، روستایی و عشایری بسنده می‌گردد. این لباس‌ها عبارت‌اند از:

کوینک^۱

کوینک لباسی راسته و بلند است که چاک‌هایی در طرفین آن جاسازی می‌شود. یقه آن اغلب ساده است و برای آسانی در امر پوشیدن در پیش‌سینه آن شکافی دارد که با دکمه بسته می‌شود. آستین‌های آن مستطیل شکل و گشاد است و برای گشادی و راحتی بیشتر، دو تکه فاق مثلثی به سمت زیر بغل آن اضافه می‌شود. قد این پیراهن پایین‌تر از زانو و گاه تا نزدیکی مچ پاست. این تونیک با اندکی اختلاف در قد آن در بسیاری از لباس‌های محلی ایران دیده می‌شود؛ از جمله در لباس محلی زنجان، گیلان، مازندران و ایل قشقایی و بختیاری.



تصویر ۳. کوینک با تکه‌دوزی
(عکس از نگارنده)

ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس؛ مطالعه موردی آذربایجان شرقی ❖ ۶۳

تومان

تومان دامنی بسیار پرچین است که در قسمت کمر با لیفه‌ای جمع می‌شود. بلندی تومان تا مچ پا می‌رسد. تومان از انواع پارچه‌های ابریشمی و گلدار تهیه می‌شود. امروزه، مخمل از پارچه‌های دلخواه و مطلوب برای تومان به شمار می‌رود. اما از سایر پارچه‌های رنگی نیز دوخته می‌شود (تصویر ۴).



تصویر ۴. تومان (عکس از نازنین نیک‌بیان)

چپکن^۱

چپکن نوعی نیم‌تنه رویی است که انواع زنانه و مردانه دارد و معمولاً دارای آستر است. چپکن در لغت‌نامه دهخدا کوتاه شده چپ‌افکن است و گویا دلیل نامگذاری آن، این بوده که دو طرف آن روی هم می‌افتاده است. این لباس تا قسمت کمر به نسبت چسبان و از کمر به پایین اندکی گشاد می‌شود. برای اینکه راحت روی دامن قرار بگیرد، در پهلوها چاک دارد. چپکن، دارای دو نوع بی‌آستین و آستین‌دار است. در

1. çapkan

برخی از انواع چپکن، آستین‌ها از روی شانهِ آویزان می‌شود. جنس آن معمولاً از ابریشم و آستر آن نیز از پارچه‌های مرغوب است (تصویر ۵).



تصویر ۵. چپکن

آرخالیق

آرخالیق کلمه‌ای ترکی و مرکب از دو بخش «آرخا» به معنی پشت و «لیق» پسوند تعلق، از لباس‌های معروف آذربایجان است و وجه تسمیه آن عبارت است از لباسی که پشت بدن را می‌پوشاند. آستین‌های آرخالیق بلند و گشاد و یقه آن باز است. آرخالیق معمولاً در قسمت کمر چین‌دار است و آستین‌ها نیز از قسمت آرنج با چین‌هایی گشاد می‌شوند. با این حال، آستین بدون چین نیز متداول بوده است. حتی در برخی موارد آستین‌های آن را مانند چپکن می‌دوختند. آرخالیق تا همین گذشته نزدیک از روی کوینک پوشیده می‌شده است. جنس آن اغلب مخمل است و بر آن نقوشی را سوزن‌دوزی می‌کنند (تصاویر ۶ و ۷). آرخالیق نیز از جمله لباس‌هایی است که اقوام مختلف در پهنه ایران آن را می‌پوشیده‌اند.

❖ ۶۵ ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس؛ مطالعه موردی آذربایجان شرقی



تصویر ۶. یک مدل ارخالیق



تصویر ۷. یک نمونه آرخالیق (از موزه قاجار تبریز، عکس از نگارنده)

کوردو^۱

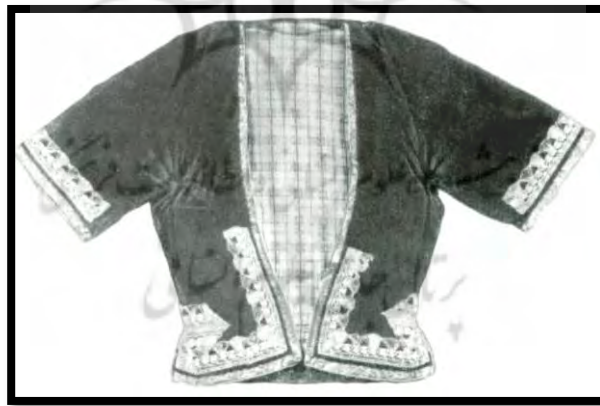
لباسی زنانه و جلیقه‌مانند، بدون آستین و کوتاه است که نوع ضخیم آن، در فصول سرد سال استفاده می‌گردد و از جنس‌های مختلف دوخته می‌شود. گاه در قسمت یقه و حلقه آستین‌ها و لبه پایین دارای خز است و داخل آن نیز آستردوزی می‌شود. گاهی نیز به صورت جلیقه‌هایی از پارچه مخمل دوخته می‌شود که روی آن را با دوختن سکه‌های مختلف تزئین



تصویر ۸. نمونه‌ای از کوردو می‌کنند (تصویر ۸).

لباده

لباده لباسی زنانه و جلو باز است که بلندی آن تا پایین کمر می‌رسد. آستین آن تا آرنج است و از روی پیراهن پوشیده می‌شود. معمولاً از پارچه مخمل است و بر آن نقوشی را سوزن‌دوزی می‌کنند (تصویر ۹).



تصویر ۹. نمونه‌ای لباده

ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس؛ مطالعه موردی آذربایجان شرقی ❖ ۶۷

کلجه^۱

نوعی لباس زنانه رویی جلو باز با آستین‌های بلند است که از کمر چین می‌خورد. قد آن نیز تا بالای زانو می‌رسد. معمولاً از مخمل دوخته می‌شود و بر آن نقوشی را سوزن‌دوزی می‌کنند (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰. نمونه ای از کلجه

چارقد

چارقد یا همان چارققد نوعی روسری چهارگوش بزرگ است که زنان روستایی و عشایر بر سر می‌کنند. نوع بومی آن از ابریشم و با چاپ کلاقه‌ای است. کلاقه‌ای نوعی چاپ بر روی پارچه ابریشمی است و به همین مناسبت پارچه‌ای را که برای این کار بافته می‌شد، کلاقه‌ای می‌نامیدند. حسین کلاقیچی گنجینه در این باره می‌گوید: «در تبریز سه نوع بافت ابریشم طبیعی وجود داشت: قناویز^۲، شده^۳، کلاقه‌ای^۴. اندازه معمول کلاقه‌ای در آن سال‌ها ۱۰۰ × ۱۰۰ بود و از دو طرف ریشه داشت. فن چاپ کلاقه‌ای

-
1. kulaje
 2. qanâviz
 3. šadeh
 4. kalâqeyi

۶۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در آن سال‌ها همان طریقه قدیمی کرباس بود با نقشه سفید و قرمز و زمینه سرمه‌ای یا مشکی که «نقشه اسوتی» یا «نقشه فلقلی» نامیده می‌شد و به وسیله قالب‌های کنده‌کاری چوبی اصفهان صورت می‌گرفت. از بافت کلاقه‌ای، زنان ترکمن صحرا و آذربایجان برای روسری استفاده می‌کردند و اکنون نیز استفاده می‌کنند» (کلایچی گنجینه، ۱:۱۳۶۶).

این روسری در رنگ‌ها و طرح‌های متنوعی تولید می‌شود و زیبایی چشمگیری دارد. شیوه بر سر کردن این روسری نیز منحصر به فرد است؛ آن را به صورت قطری تا می‌زنند و طوری روی سر می‌اندازند که سمت راست آن کوتاه‌تر باشد. سپس سمت



تصویر ۱۱. چارقد در رنگ‌ها و طرح‌های متنوع (پایگاه خبرگزاری مهر)

چپ روسری را از روی شانه راست رد می‌کنند و ادامه آن را دور سر می‌پیچند. این روسری معمولاً چانه را نیز می‌پوشاند (تصویر ۱۱).

چوخا

چوخا که روپوشی مردانه است، انواع مختلفی دارد. نوعی از آن در اصل متعلق به قزاق‌هاست^۱ و معروف‌ترین لباس مردان ترک به شمار می‌رود. ولی انواع مختلفی از چوخا در پهنه ایران متداول بوده است. یقه آن باز است و از قسمت سینه تا کمر با دکمه‌هایی بسته می‌شود. آستین‌های آن به نسبت گشاد است و در قسمت دامن نیز گشاد می‌شود. امروز نیز گاه در مراسم مختلف جوانان آن را بر تن می‌کنند. انواع دیگر چوخا در آذربایجان مرسوم بوده است؛ از جمله نوعی روپوش جلو باز با چین‌هایی در کمر. این لباس آستر دارد و از لباس‌های معمول در آذربایجان به شمار می‌رود (تصویر ۱۲).

۱. این چوخا در واقع لباسی بود که قوای قزاق به تن می‌کردند. قزاق‌ها نیروی نظامی ویژه‌ای بودند که در سال ۱۲۵۸ خورشیدی به درخواست ناصرالدین شاه قاجار در پی قراردادی بین ایران و روسیه تزاری تشکیل شدند.

ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس؛ مطالعه موردی آذربایجان شرقی ❖ ۶۹



تصویر ۱۲. چوخا (موزه قاجار تبریز، عکس از نگارنده)

قبا

انواع مختلفی از قبا در آذربایجان شرقی رایج بوده است. قبا را با سوزن‌دوزی‌های متنوع و گوناگون تزئین می‌کردند (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳. نمونه‌ای از قبا با تزئینات قیطان‌دوزی. (عکس از مجموعه خصوصی حسین ساجدی)

۷۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سوزن دوزی های آذربایجان شرقی

مقمان دوزی: مقمان دوزی یکی از رودوزی های ایرانی است که در آن زمینه اساسی پارچه را به وسیله بخیه های ابریشم رنگین می پوشانند و نقش و رنگ ایجاد می کنند (یاوری و عرفانی، ۱۳۹۲: ۳۳۰-۳۲۹). به دلیل آنکه این سوزن دوزی در شهر مقمان انجام می شود، آن را مقمان دوزی نامیده اند. در سوزن دوزی مقمان در درون دایره ای که «آی» یعنی ماه دارد، یک شمسه هشت پر طراحی می شود.

منجوق دوزی: منجوق دوزی یکی دیگر از رودوزی های معروف آذربایجان است که در تبریز انجام می شود و از آن علاوه بر کارهای تزئینی، برای آراستن لباس نیز استفاده می کنند.

گلابتون دوزی: گلابتون به نخ های ابریشمی گفته می شود که دارای روکش طلا یا نقره باشد و گلابتون دوزی نوعی رودوزی برای تزیین لباس است که روی آن با استفاده از نخ گلابتون، طرح و نقش های زیبایی سنتی دوخته باشند و از دوره هخامنشیان در لباس های برخی از ایرانیان دیده شده است. نقوش گلابتون دوزی عبارت اند از: اسلیمی و ختایی، نقوش هندسی، بازوبندی، شاه عباسی، شکارگاهی، محرابی، محرماتی، بته، گل و مرغ، گلدانی و ... (همان: ۲۷۵-۲۷۴)

قیطان دوزی: قیطان در لغت به معنای نخ ضخیم است که قطر آن بیش تر از یک میلیمتر باشد و قیطان دوزی عبارت از دوخت و اتصال قیطان های الوان و گلابتون روی پارچه است. گاهی این دوخت در حاشیه لباس ها، شال ها و رومیزی و ... به صورت خطی و به رنگ های طلایی و نقره ای بوده است. گاه از قیطان برای ایجاد نقش نیز استفاده می کنند. قیطان دوزی برای تزیین لباس، سجاده، یقه و پیش سینه لباس، پایین دامن، جانمازی، رومیزی، کوسن، شنل و ... مورد استفاده قرار می گیرد. (همان: ۲۳۹)

ویژگی های سبک شناختی پوشاک مردم آذربایجان

افراد به کمک سبک پوشاک خود هویت خویش را ابراز می کنند و نشان می دهند که درباره لباس خود می اندیشند و ضوابط خاصی بر پوشش آنان حکم فرماست و از این طریق، اطلاعاتی درباره فضای اجتماعی و فرهنگی خود ارائه می دهند. چنانچه خواهیم

ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس: مطالعه موردی آذربایجان شرقی ❖ ۷۱

لباسی با الگوی ایرانی - اسلامی طراحی کنیم، باید با سبک‌های پوشش ایرانی آشنا شویم و بتوانیم لباس‌های مختلف ایران را چه از نظر تاریخی و چه از نظر قومی سبک‌شناسی کنیم. لباس مردم آذربایجان نیز از این مقوله جدا نیست و به عنوان نوعی پوشش ضابطه‌مند دارای چارچوب‌هایی است که آن را به عنوان سبک پوشاک مردم آذربایجان معرفی می‌کند. این سبک پوشاک تابع عوامل مختلفی مانند وضعیت آب و هوا و عوامل زیست محیطی، جغرافیا و موقعیت تاریخی و سیاسی، دین و مذهب، شیوه معیشت و اوضاع اقتصادی مردمان این سرزمین، و در نهایت سلیقه و زیباشناسی آنان است که به اختصار درباره آنها توضیح خواهیم داد.

● وضعیت آب و هوا

منطقه آذربایجان شرقی از مناطق سردسیر کشور محسوب می‌شود. زمستان‌های طولانی و تابستان‌های خنک این منطقه موجب شده است تا تعداد تکه‌های لباس در همه فصول سال زیاد باشد. استفاده از پشم، پوست و انواع خز نیز برای محافظت از سرما متداول بوده است. همچنین تعدد و تنوع لباس‌های آستردار این منطقه نیز نشانی از آب و هوای به نسبت سرد این منطقه دارد. زنان عشایر در تابستان‌ها نیز جلیقه‌ای آستردار بر تن می‌کنند و در روستاها چادری به کمر می‌بندند. انواع لباس‌های پشمی هنوز هم در شهر تبریز و سایر شهرستان‌ها برای فصل زمستان استفاده می‌شود و استفاده از ملزومات و ضمایمی همچون شال‌های پشمی و پیراهن و شلووارهای زیرین پشمی در این منطقه مرسوم است. کلاه معروف به پاپاق^۱ یا پاپاخ نمونه‌ای از کلاه‌های پشمی و کرکدار منطقه است که امروزه نیز آن را در زمستان بر سر می‌گذارند؛ یکی از قطعات لباس عاشیق‌های آذربایجان، کلاه پاپاق است (تصویر ۱۴). تعدد قطعات پوشاک نیز می‌تواند به وضعیت آب و هوا مرتبط باشد؛ زیرا در ماه‌های سرد سال بعضی از لباس‌ها روی هم پوشیده می‌شدند.

1. pâpâq



تصویر ۱۴. یک عاشیق با کلاه پاپاق

● شیوه معیشت و اوضاع اقتصادی

تولید گسترده ابریشم در سطح استان سبب دسترسی آسان به ابریشم شده و در نتیجه غالب لباس‌های مردم و بویژه شهرنشینان منطقه از ابریشم بود. در روستاها نیز پرورش دام سبب می‌شود تا مردمان به الیاف پشم دسترسی بیشتری داشته باشند. همچنین عشایر استان نیز با توجه به شیوه معیشتی دامداری به پشم دسترسی داشته و دارند. بنابراین، استفاده از پشم در تهیه البسه معمول بوده است. امروزه از الیاف پشمی بیشتر جوراب‌های پشمی بافته می‌شود.

این منطقه از دیرباز اوضاع اقتصادی شکوفایی داشته و تولیدات مختلف آن سبب شده است تا لباس مردم منطقه از تنوع چشمگیری در طرح و رنگ و نقش برخوردار باشد. همچنین زندگی در روستاها یا سکونتگاه‌های ایلی، نیاز به لباس‌های گرم‌تر نسبت به شهرها را ایجاد می‌کند. به علاوه زنان روستایی و عشایر استان به علت مشارکت در کار و تولید، نیاز به لباس‌هایی با دوام و راحتی بیشتر دارند. این در حالی است که زنان شهری در گذشته اغلب در خانه بودند و در نتیجه لباس‌های ظریف‌تری می‌پوشیدند. لازم است این نکته را بیفزاییم که حضور زنان روستایی و ایلی در محیط بیرون سبب

ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس؛ مطالعه موردی آذربایجان شرقی ❖ ۷۳

شده است تا برای پوشاندن خود لباس‌های آزادتری انتخاب کنند. بر خلاف زنان شهری که در خانه از نظر انتخاب نوع لباس محدودیت کمتری داشتند و برعکس، در بیرون از منزل از چادر استفاده می‌کردند. این مسئله با وجود تغییرات بسیاری که در اوضاع اجتماعی زنان پدید آمده است، هنوز هم تأثیر خود را بر پوشاک زنان حفظ کرده و پوشش زنان شهری و روستایی را از هم متمایز ساخته است. شیوه معیشتی و اوضاع اقتصادی حتی بر شیوه تزئین پوشاک نیز تأثیر می‌گذارد. برای مثال زنان ایلی و روستایی سکه‌هایی به لباس خود می‌دوزند که در گذشته نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان بود (تصویر ۱۵)، اما امروزه بیشتر کارکرد تزئینی دارد؛ این سکه‌ها به نوعی پس‌انداز زنان و خانواده نیز به شمار می‌رفت. همچنین تزئینات ظریف پوشاک زنان شهری نشان از فراغت بیشتر آنان برای پرداختن به کارهای ظریف داشت.



تصویر ۱۵. کله مخمل با تزئینات سکه (موزه صدای تبریز)

● موقعیت جغرافیایی و تاریخی و سیاسی

در برخی دوره‌های تاریخی از جمله صفویه و ایلخانی، آذربایجان پایتخت ایران بود و این امر به شکوفایی هنرها و صنایع در این منطقه انجامید. از سویی قرار داشتن این شهر در مسیر جاده ابریشم بر غنای فرهنگی آن افزود. بافتن پارچه با دست، بویژه پارچه‌های

۷۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ابریشمی و زری از قدیم در ایران و همچنین آذربایجان شرقی معمول و متداول بوده است. چنانکه در دوره صفویه که به عصر طلایی و درخشان بافندگی شهرت دارد، پارچه‌هایی از حریر ساده، ابریشم زربفت و مخمل ابریشمی بافته شده که نمونه‌هایی از آنها در موزه آستان قدس رضوی و موزه هنرهای تزئینی اصفهان موجود است (پرتال اهل بیت(ع)). فراوانی ابریشم در منطقه امکان تهیه انواع پارچه‌های ابریشمی را فراهم آورده بود و این امر بر ظرافت پوشاک این منطقه می‌افزود. تولید انبوه پارچه و رونق داد و ستد در منطقه که در مسیر جاده ابریشم قرار دارد، امکان دسترسی به پارچه‌های بومی و نیز پارچه‌های سایر بلاد را ایجاد کرده و سبب تنوع و گوناگونی لباس‌ها شده بود.

● دین و مذهب

مردم آذربایجان مردمی بسیار متدین هستند و اکثریت مردم منطقه را مسلمانان شیعه تشکیل می‌دهند. لباس مردم منطقه بازتابی از عقاید و باور مذهبی آنان است. پوشیدگی تمام بدن حتی در لباس‌های مردانه نشان از اهمیت مذهب در انتخاب لباس دارد. غالب زنان منطقه از پوشش چادر استفاده می‌کنند. زنان روستایی نیز در کوچه و کوی چادرهای رنگی بر سر دارند. زنان عشایر علاوه بر لباس بلند و گشادی که دارند، روسری خود را به شیوه‌ای می‌بندند که چانه و گاه بخشی از دهان را نیز می‌پوشانند. بلندی روسری نیز در حدی است که در صورت باز کردن گره آن تمام شانه و سینه را تا نزدیک کمر می‌پوشاند. تعدد تکه‌های لباس نیز در تولید حریم در فضاهای عمومی و نیمه خصوصی و خصوصی کارکرد دارد. در واقع انواع بالاپوش‌ها و روسری‌های بزرگ ایجاد حریم در درجات مختلف است و بین حریم حداکثری یعنی چادر و پیراهن که حریم حداقلی است، چندین قطعه پوشش اعم از جلیقه و لباده و ارخالیق و... برای ایجاد حریم به کار می‌روند.

مؤلفه‌های زیباشناختی لباس مردم آذربایجان

زیبایی مفهومی است که در بستر اجتماع شکل می‌گیرد. زیبایی لباس نیز وابسته به ایده‌آلهایی است که افراد یک جامعه از مفهوم زیبایی در نظر دارند. زیبایی لباس را از دو مقوله ظاهر لباس و مفهوم آن می‌توان مورد توجه قرار داد. زیبایی ظاهری لباس به تناسبات و معیارهایی مربوط می‌شود که پوشندگان لباس سنتی در نظر دارند. هر قومی با

ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس؛ مطالعه موردی آذربایجان شرقی ❖ ۷۵

توجه به ذوق و سلیقه زیباشناختی خود ترکیب خاصی از رنگ‌ها و فرم‌ها را می‌پسندد. اما چنانچه از منظر مفهومی به زیبایی لباس توجه شود، معیارهایی به میان می‌آید که سبب می‌شود درک بهتری از آنچه یک لباس را در نظر پوشندگان آن جلوه می‌دهد، به دست بیاوریم. برای مثال براساس تقسیم‌بندی‌های اجتماعی، برخی لباس‌ها مناسب زنان مسن و برخی دیگر مناسب زنان جوان است؛ از همین‌رو لباس خاص هر گروه برانزنده همان گروه است و بر اندام آنان زیباست و اگر گروه دیگر آن را بر تن کند، نامناسب است. در آذربایجان شرقی لباس‌ها متناسب با سن زنان و مردان و کودکان انتخاب می‌شود. دختران جوان از رنگ‌های شاد استفاده می‌کنند، اما زیورآلات و آرایش آنان اندک است. زنانی که تازه ازدواج کرده‌اند به شکلی کاملاً متمایز لباس می‌پوشند؛ همین‌طور زنان متأهل و زنان مسن. در لباس مردان نیز همین امر صادق است. لباس‌ها متناسب با سن، وضعیت تأهل و روابط خانوادگی و اجتماعی متغیر هستند. در این معنا متوجه می‌شویم که زیبایی تنها ترکیب رنگ‌ها و برش‌ها به طور اتفاقی یا به دلخواه طراح نیست، بلکه این زیبایی باید با توجه به وضعیت پوشنده بررسی شود. بنابراین زیبایی لباس علاوه بر سلیقه و ذوق جمعی مردم این منطقه به موقعیت پوشنده نیز بستگی دارد.

مفهوم و معنا در طراحی لباس

درک مفهوم و معنا در طراحی لباس از گام‌های اولیه طراحی ایده است. چنانچه یک طراح بخواهد لباسی به سبک ایرانی - اسلامی طراحی کند، باید ابتدا مفاهیم را بشناسد. این مفاهیم در درجه اول مفاهیمی هستند که اسلامی بودن و ایرانی بودن لباس را بازتاب می‌دهند. در زمینه پوشش اسلامی منابع بسیاری موجود است که می‌تواند راهنمای طراحان باشد. اما وقتی پای مفهوم ایرانی بودن لباس به میان می‌آید، باید توجه داشت که ایرانی بودن لباس از چه منظری مورد توجه است. آیا منظور از طراحی لباس ایرانی، احیای طرح‌های تاریخی است؟ یا ایرانی بودن لباس به معنای احیای لباس‌های محلی مناطق است؟ چنانچه نگاه به مفهوم ایرانی بودن، تاریخی باشد، تمام لباس‌های مستند از دوران پیشاآریایی تا اکنون ایرانی به شمار می‌روند و چنانچه از نگاه قومی به مسئله نزدیک شویم، لباس همه اقوام جغرافیای ایران بزرگ ایرانی خواهد بود. طراحی که قصد طراحی لباس دارد، در درجه نخست باید بداند برای چه کسانی و در چه موقعیتی لباس

۷۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

طراحی می‌کند؛ این لباس در چه سطحی توزیع خواهد شد و مخاطبان و مصرف‌کنندگان آن تابع چه سلیقه‌ای هستند؛ چرا که تغییر ذائقه افراد در زمینه پوشش کار ساده‌ای نیست؛ بویژه در حال حاضر که سلیقه‌ها، به شدت به سمت تقلید از سلیقه طراحان غربی پیش می‌روند. طراحی لباس به سبک ایرانی - اسلامی و با الگو گرفتن از طرح پوشاک مردم آذربایجان، ترکیبی است از فرم لباس مردم این منطقه، تعداد تکه‌های لباس، قابلیت‌های به‌روز کردن این طرح‌ها، رنگ‌ها و ترکیب و هارمونی رنگ، تزئینات، سن و جنسیت، و.... برای مثال لباس‌هایی همچون کونیک، آرخالیق، چپکن، لباده و کلجه قابلیت تبدیل شدن به طرح مانتو و انواع لباس‌های رویی برای استفاده امروزی را دارند (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶. مانتوی طراحی شده بر اساس طرح پیراهن (کونیک) و تزئینات آن.
(طرح و اجرا از نگارنده)

دامن‌های بلند منطقه می‌تواند به منظور طراحی انواع لباس‌های بیرون و درون منزل، برای بانوان به کار رود. روسری‌هایی که در این منطقه تولید می‌شود نیز هم قابلیت عرضه در سراسر ایران را دارند و هم می‌توانند به عنوان یک تکه از پوشاک زیبای زنان آذربایجان، در بازار مد سایر کشورها مطرح شوند. از روسری‌های این منطقه، هم با

ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس؛ مطالعه موردی آذربایجان شرقی ❖ ۷۷

طرح‌های جدید و با کاربری روسری می‌توان استفاده کرد و هم از طرح آن برای طراحی نقوش پارچه سایر لباس‌ها بهره گرفت (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷. طراحی روسری بر اساس چاپ کلافه ای آذربایجان (طراحی و اجرا از عاطفه فاضل)

سوزن‌دوزی‌های آذربایجان نیز می‌تواند منبع الهام بسیار خوبی برای تزئین انواع پوشاک باشد. (تصویر ۱۸)



تصویر ۱۸. طرح مانتو و کیف با استفاده از سوزن‌دوزی ممقان. (عکس از فریده جام کوهی)

۷۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در کل باید در نظر داشته باشیم که پوشاک زنان در تمام جغرافیای گسترده ایران از اصولی تبعیت می‌کند که کمابیش یکسان است. اصل پوشش در تمامی لباس‌های محلی رعایت می‌شود. استفاده از انواع سرپوش‌ها و چادرها رایج است و تزئینات پوشاک نیز تابع شرایط آب و هوایی، معیشتی و وضعیت فراغت یا اشتغال زنان است. اما برای استفاده از این منابع گسترده الهام باید هم به شرایط جغرافیایی مناطق توجه کرد و هم از انواع طرح‌ها، ترکیب و هماهنگی رنگ‌ها، برش‌ها، تزئینات و بافته‌های سنتی به شکلی مدرن و منطبق با سلیقه و نیاز روز استفاده نمود.

جمع‌بندی

پوشاک مناطق ایران از نمودهای غنای فرهنگی و هنری مردم اقوام مختلف این سرزمین پهناور است. همان طور که در بخش معرفی لباس‌ها می‌بینیم، لباس‌های منطقه از تنوع بالایی برخوردارند و در صورتی که به معرفی تزئینات یا ملزومات مختلف و انواع کفش‌ها و سرپوش‌ها نیز بپردازیم، نیاز به مقالات جداگانه‌ای خواهیم داشت. پوشاک این منطقه با توجه به مشخصه‌های ظاهری و نیز منطبق بودن با ارزش‌های اجتماعی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ویژه‌ای برای طراحی لباس به سبک و الگوی ایرانی دارد. لباس‌های این منطقه که اغلب آسترदार هستند، برای طراحی لباس‌های رسمی و نیز لباس‌های بهاره و پاییزه منبع الهام مناسبی به شمار می‌روند. چارقدها و روسری‌های کلاکه‌ای و متنوع منطقه نیز، هم در ترکیب‌بندی و طراحی سبک لباس با الگوی ایرانی - اسلامی مناسب است و هم می‌توان از طرح و رنگ و جنس آن برای طراحی لباس‌های متنوع بهره برد. سادگی نسبی لباس‌ها و استفاده نکردن از تزئینات دست و پاگیر و نامتعارف سبب می‌شود تا بتوان با اندک تغییراتی، لباس‌هایی به سلیقه روز بر این اساس طراحی و تولید کرد، به طوری که هویت فرهنگی آن نیز حفظ شود.

ظرفیت‌های پوشاک سنتی به منظور طراحی مد لباس؛ مطالعه موردی آذربایجان شرقی ❖ ۷۹

منابع

- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۸). گنجینه تاریخ ایران: صفویان - افشاریان - زندیه و قاجار. ج ۱۲، تهران: انتشارات اطلس.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۱). انسان‌شناسی هنر: زیبایی، قدرت و اساطیر. تهران: نشر ثالث.
- کلاچی گنجینه، حسین (۱۳۶۶). هنر باتیک. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مولازاده، مریم (۱۳۹۶). اقتصاد مد لباس، تقاضای مد لباس. تهران: انتشارات سخنوران.
- یاوری حسین؛ سرخوش، شیدا (۱۳۸۹). آشنایی با لباس‌ها و پوشاک سنتی. تهران: انتشارات آذر.
- یاوری، حسین؛ عرفانی، فاطمه (۱۳۹۲). هنرهای سنتی ایران در یک نگاه. چاپ اول. تهران: انتشارات آذر.

تارنمای مجازی

- Mann Shover, Edna. (1920). "Art in costume design". Milton Bradley Company in: <http://www.islamicartz.com>

«پوشاک آذربایجان شرقی» در خبرگزاری مهر (تاریخ بازیابی ۹۸/۲/۲):
www.mehrnews.com

«صنایع دستی» در پرتال اهل بیت (ع) (تاریخ بازیابی ۹۸/۲/۲):
www.islamicartz.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی